

تأملی در قرآن کریم

بررسی زبان‌شناختی برخی از قواعد تجویدی

فروغ کاظمی¹

چکیده

قرائت قرآن کریم یکی از مهم‌ترین وظایف دینی ماست. هدف از انجام این پژوهش، تبیین مسائلی از منظر زبان‌شناسی است که می‌تواند در کمک به تلاوت/قرائت درست قرآن کریم راه‌گشا باشد. برای این منظور، سوره‌های متعددی از قرآن کریم مد نظر قرار گرفت و پس از تأمل و تعمق در آنها شیوه متداول آموزش قرآن کریم در تجوید بررسی شد. آنگاه با بهره‌گیری از مفاهیم علم زبان‌شناسی (شاخه واج‌شناسی) مشخص گردید که مواردی از قبیل قلب به میم (اقلاب)، یرملون (ادغام)، حروف شمس (در مقابل قمری) و اخفاء که در علم تجوید به آنها پرداخته می‌شود، همگی در زبان‌شناسی در قالب فرایند واجی «همگونی» قابل تبیین‌اند. نتایج نشان داد که در تلاوت قرآن کریم انواع همگونی اعم از کامل و ناقص دیده می‌شود. این همگونی‌ها عمدتاً از نوع همخوانی، پسرو و همجوار است (نه واکهای، پیشرو و غیرهمجوار). با انجام چنین پژوهش‌هایی می‌توان در جهت آموزش این معجزه جاویدان که روشنگر راه ما انسان‌ها است گامی برداشت و زمینه را برای بهره‌گیری هرچه بیشتر از آن هموار نمود.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، تجوید، واج‌شناسی، فرایند همگونی.

1- مقدمه

مسلمانان از زمان پیامبر (ص) همیشه به قرآن علاقه خاصی داشته‌اند. هر کسی سعی کرده است به شکلی در قالب شعر، هنر، تألیف کتب مرتبط، تفسیر و غیره این علاقه را نشان دهد. کلام الهی از نزول تاکنون همواره بهترین راهنمای بشریت و علاوه بر مفاهیم روشنگر آن، تلاوت این کلام آسمانی هم از جایگاه والایی برخوردار بوده است تا آنجا که خداوند در سوره مزمل می‌فرماید «و رتل القرآن ترتیلاً». فراهم آوردن زمینه‌ای مناسب برای تلاوت درست و آشنایی بیشتر با قرآن کریم برای نسل جوان امروز، یک ضرورت است. هدف از انجام این پژوهش تبیین زبان‌شناختی فرایند واجی است که برای تلاوت درست قرآن ضروری است و می‌تواند در کمک به قرائت صحیح راه‌گشا باشد. در پژوهش حاضر که به روش تحلیلی انجام شده است، با تأمل بر بسیاری از سوره‌های قرآن کریم مشخصاً مبحث تجوید از

¹ - استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. f.kazemi86@yahoo.com

منظر زبان‌شناسی بررسی و سعی بر آن است تا برخی از قواعد تجویدی - که هنوز هم به شکل سنتی در آموزش این کتاب آسمانی در کشور به کار می‌رود - تحلیل شود.

2- مروری بر مطالعات پیشین

برای شناخت هرچه بیشتر قرآن کریم، تاکنون مطالعات بسیاری از جنبه‌های گوناگون صورت پذیرفته است. در این بخش سعی شده است که به پژوهش‌های قرآنی که عمدتاً از دیدگاه زبان‌شناسی انجام شده اشاره شود. یکی از مطالعاتی که اخیراً انجام شده، پژوهشی است که شمس آبادی و ممتحن (1391) درباره اعجاز توانش زبانی و کاربرد واژه «امت» در قرآن کریم انجام دادند و نتیجه گرفتند که مفهوم واژه «امت» در زمینه‌های زبان‌شناسی، دینی و تاریخی معانی مختلفی به خود گرفته است. این واژه در بسیاری از آیات قرآن کریم بیانگر وسعت و فراوانی است. یعنی که واژه امت بیانگر پیوند روحی است و دارای ویژگی استمرار و جاودانگی است که محدود به هیچ زمان و مکانی نیست حتی پس از نابودی دنیا. سعیدی (1391) به بررسی زبان‌شناختی تناسب آیات پرداخته است. در این مقاله با بهره‌گیری از اصل همکاری گرایس، به تناسب آیات قرآن دقت نظر شده است و سعی بر این بود تا برای تناسب گریزی ظاهری آیات، توجیهی زبان‌شناختی و بلاغی ارائه شود.

مروتی و ساکی (1390) واژه اخلاق را از نظر معناشناسی در قرآن بررسی کردند. آنها با استفاده از مفهوم آیات قرآن معنای این واژه را مشخص و ضمن روشن کردن معنای لغوی واژه اخلاق، واژه‌های مرتبط با آن را با به کارگیری قاعده سیاق هسته معنایی اخلاق و ارتباط نظام‌مند مؤلفه‌های مرتبط تبیین نمودند. سلیمانی و ممتحن (1390) به مطالعه علوم بلاغی و اعجاز قرآن پرداختند و به پیدایش علم بلاغت از زمان نزول قرآن و تحدی پیامبر اشاره کردند. به باور آنان علم بلاغت و ابواب و شعبه‌های آن یکی از پدیده‌های فرهنگ ادبی اسلامی است و این علوم در مسائل لفظ و معنی، بیشتر از هر چیز تحت تأثیر قرآن کریم و برای شناخت علمی اعجاز آن پدید آمده و گسترش یافته است. در حقیقت اصالت علم بلاغت اسلامی، اصالتی قرآنی است و غایت آن از نظر بزرگ‌ترین علماء، معرفت به اعجاز قرآن کریم و بیان سرّ اعجاز آن است.

عباس‌زاده (1390) در مقاله «کارکردهای زیبایی‌شناختی حذف حروف جاره در قرآن کریم» می‌نویسد ذکر و حذف این حروف، تقدیم و تاخیر آنها و ترجیح یک حرف بر حرفی دیگر در عمق معنا و زیبایی جمله تأثیرگذار است. در این مقاله تأثیرهای حذف حروف جاره بر معنای آیات قرآنی از منظر بلاغی بررسی شده است. نویسنده بر این باور است که حذف حروف جاره از مصادیق برجسته‌سازی ادبی و هنجارگریزی نحوی و مختصه‌های سبکی قرآن کریم در لایه نحوی است. مرآت (1390) «انسجام واژگانی در قرآن» را بررسی کرده است. ممتحن و حاجی زاده (1389) به مطالعه اعجاز قرآن و موسیقی آن پرداختند. آنها معتقدند هیچ یک از کلام‌های بشری حتی سخنان بزرگان دین و ادبا و فصحای روزگار به اندازه قرآن آهنگ پذیر نیست. «مطالعه زبان‌شناختی روابط متنی در قرآن» پژوهشی است که محمد

العوی (1389) انجام داده است. فهیمی تیار (1384) به «نقد واژگانی ترجمه قرآن به زبان فارسی» پرداخته است و ربانی (1379) «ترادف در واژه‌های قرآن را مورد مطالعه قرار داده است. گرچه پژوهش‌های قرآنی مذکور در زمینه‌های متفاوت به انجام رسیده است، پژوهش حاضر به لحاظ جدید بودن موضوع از تازگی و نوآوری برخوردار است و می‌کوشد تا دامنه متنوعی از سوره‌های قرآن را مشخصاً از منظر فرایند واجی همگونی مطالعه نماید.

3- ملاحظات نظری

3-1- همگونی

همگونی¹ رایج‌ترین فرایند واجی² در زبان است. در این فرایند یک واحد واجی یک یا چند مشخصه را از واحد واجی مجاور خود می‌پذیرد و در نتیجه آن، دو واحد واجی به هم شبیه می‌شوند (آدن، 2005: 228). همگونی فرایندی است که برای سهولت تلفظ اتفاق می‌افتد که در آن یک واج³ روی تلفظ واج مجاور یا نزدیک خود تأثیر می‌گذارد (فرامکین، 1988: 481). این فرایند عبارت از آن است که دو واج اعم از واکه⁴ یا همخوان⁵ و یا یک واکه و یک همخوان درون یک هجا یا یک واژه بر روی هم تأثیر می‌گذارند و با هم همگون و هم‌رنگ می‌شوند (باقری، 1380: 114). همگونی انواع مختلفی دارد. در این فرایند اگر درجه⁶ و شدت آن مد نظر باشد، دو نوع همگونی کامل و ناقص مطرح می‌شود.

3-1-1- همگونی کامل و ناقص

در همگونی کامل⁷، همه مشخصه‌های یک واحد واجی به واحد واجی مجاور انتقال می‌یابد.
مثال 1:

[dæste] → [dæsse]

در همگونی ناقص⁸ یک یا چند مشخصه یک واحد واجی به واحد واجی مجاور انتقال می‌یابد.
مثال 2:

[fænbe] → [fæmbe]

همگونی ممکن است از نظر جهت مطرح شود. در این صورت دارای همگونی پیشرو و پسرو است.

1- assimilation

2- phonological process

3- phoneme

4- vowel

5- consonant

6- degree

7- complete assimilation

8- partial assimilation

3-1-2- همگونی پیشرو و پسرو

در همگونی پیشرو¹ یک واحد واجی بر واحد واجی پس از خود تأثیر می‌گذارد.
مثال 3:

[hæste] → [hæsse]

در همگونی پسرو² یک واحد واجی بر واحد واجی قبل از خود تأثیر می‌گذارد. به بیان دیگر از دو همخوان همنشین، همخوانی که در جایگاه نخست قرار دارد، دستخوش تغییر می‌شود (حق شناس، 1380: 153).

مثال 4:

[bædtær] → [bættær]

اگر همگونی از نظر فاصله بررسی شود، همگونی همجوار و غیر همجوار نام داد.

3-1-3- همگونی همجوار و غیرهمجوار

در همگونی همجوار³، واحدهای واجی مجاور (بدون فاصله) بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. همه مثال‌های بالا از این نوع هستند.

در همگونی غیرهمجوار⁴، واحدهای واجی غیرمجاور (با فاصله) بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.
مثال 5:

[bæhar] → [bahar]

همگونی به لحاظ ساختار واژه (واحدهای زنجیری) به دو نوع همگونی همخوان - همخوان و همگونی همخوان - واکه تقسیم می‌شود.

3-1-4- همگونی همخوان-همخوان

گاهی یک همخوان در همنشینی با همخوان دیگری پاره‌ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آن مختصات آوایی همخوان مجاور را بر خود می‌پذیرد (همان: 154).

3-1-5- همگونی همخوان-واکه

همگونی (پیشرو یا پسرو) ممکن است میان یک همخوان و یک واکه همنشین بروز کند (همان: 154).

3-1-6- همگونی واکه-واکه (هماهنگی واکه‌ای)

فرایند هماهنگی واکه‌ای⁵ بدین معنی است که یک واکه تحت تأثیر واکه دیگری که در هجای مجاور قرار دارد، پاره‌ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آنها یا مختصات واکه مجاور را به خود می‌گیرد و یا مختصاتی نزدیک به آنچه در هجای مجاور وجود دارد، حاصل می‌شود (همان: 155).

¹ - progressive assimilation

² - regressive assimilation

³ - adjacent assimilation

⁴ - non-adjacent assimilation

⁵ - vowel harmony

وقتی همگونی در مورد واکه‌های غیر مجاور رخ دهد، اصطلاح‌های اوملات¹ و هماهنگی واکه‌ای معمولاً برای توصیف پدیده‌های واجی استفاده می‌شود. در مثال زیر ریشه بر واکه وند تأثیر گذاشته است.
مثال 6:

[bero] → [boro]

اگر در این هماهنگی ریشه از وند تأثیر بپذیرد، پدیده اوملات اتفاق می‌افتد. پس در اوملات واکه موجود در ریشه با واکه موجود در پسوند همگون می‌شود (فالك، 1978: 138).

4- برخی قواعد تجویدی و تحلیل‌های زبان‌شناختی

تجوید مصدر باب تفعیل، در لغت به معنای «نیکوکردن» و در اصطلاح، علمی است که در آن در مورد قواعد و دستورهای قرائت قرآن مجید و نیکو خواندن آن بحث می‌شود. در این قسمت از پژوهش به مواردی چند از قواعد تجویدی اشاره می‌شود و سعی بر آن است تا با استفاده از تحلیل‌های زبان‌شناختی این قواعد از منظر واج‌شناسی مقایسه و تبیین شود. تعاریفی که در ابتدای هر بخش در داخل گیومه آمده است، از قواعد تجویدی و برگرفته از سایت سازمان «دارالقرآن» و سایت «میقات القرآن» (موسسه فرهنگی آموزش قرآن و تجوید) است. پس از این تعاریف، تحلیل‌های زبان‌شناختی هر یک ذکر شده است و در نهایت نمونه‌های قرآنی برای هر یک از آنها در جدول‌هایی آمده است.

4-1- قلب به میم (اقلاب)

«قلب به میم» یکی از قواعد تجویدی است که گاه «ابدال» نیز خوانده می‌شود به شرح زیر:
«اگر تنوین و نون ساکن به حرف «ب» برسد نون ساکن یا تنوین به میم تبدیل می‌شود».
مثال 7:

مِن بَعْد ← مِم بَعْد

در بررسی این قاعده باید گفت مطابق آنچه در مثال بالا دیده می‌شود، همخوان /n/ یک همخوان لثوی² است که در کنار همخوان /m/ که دولبی³ است قرار گرفته است. در چنین بافت آوایی عموماً پدیده همگونی اتفاق می‌افتد. این فرایند واجی به این دلیل روی می‌دهد تا همخوان لثوی به همخوان دو لبی تبدیل گردد و در نتیجه آن، دو همخوان دولبی که مشابه و همگون‌اند در کنار یکدیگر قرار گیرند. این فرایند در زبان‌شناسی همگونی ناقص نامیده می‌شود. در این همگونی تغییر در جایگاه تولید⁴ است

1- umlaut

2- alveolar

3- bilabial

4- place of articulation

نه در شیوه تولید¹ و از آنجا که فقط یک مشخصه واجی به واحد واجی مجاور انتقال یافته آن را ناقص می‌نامیم. قاعده آن را می‌توان به این صورت نوشت:

$$n \rightarrow m / _ _ b$$

$$n \rightarrow \left[+ \text{ bilabial} \right] / _ _ \left[+ \text{ bilabial} \right]$$

$$c_1 c_2 \rightarrow c_3 c_2$$

این نوع همگونی هم در درون واژه و هم در مرز بین دو واژه اتفاق می‌افتد. گفتنی است به لحاظ جهت از نوع پسرو و از نظر فاصله به صورت همجوار رخ می‌دهد. جدول شماره 1 زیر نمونه‌هایی از این فرایند واجی با نون ساکن را در قرآن کریم نشان می‌دهد:

آوانگاری پس از همگونی	آوانگاری قبل از همگونی	آیه / واژه قرآنی	آیه
a ʔaʃqāhāθʔiðimbaʃa	a ʔaʃqāhāθʔiðimbaʃa	إِذْ نَبَعَتْ أَشْقِيهَا	1
biðambihim fasawāhā	biðambihim fasawāhā	بِذُنْبِهِمْ فَسَوِيهَا	2
mim bajn	min bajn	مِنْ بَيْنِ	3
ʔ mim mā	ʔ min mā	مِنْ مَاءِ	4
ʔambāʔ	ʔanbāʔ	أَنْبَاءِ	5
mim baxal	min baxal	مِنْ بَخَلٍ	6
ambatatʔ	anbatatʔ	أَنْبَتَتْ	7
am burikaʔ	an burikaʔ	أَنْ بوركٍ	8
humʔambiʔ	humʔanbiʔ	أَنْبِئْهُمْ	9
dihʃmim ba	dihʃmin ba	مِنْ بَعْدِهِ	10
uniʃambiʔ	uniʃanbiʔ	أَنْبِئُونِي	11
ʔambiāʔalʔ	ʔanbiāʔalʔ	أَنْبِئَاآلِ	12
jumbit	junbit	يُنْبِتِ	13
ajbʔilʔambāʔmin	ajbʔilʔanbāʔmin	مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ	14
Lajumbaðana	lajunbaðana	لَيُنْبِئَنَّ	15

جدول 1- قلب به میم، اقلاب یا ابدال به عنوان همگونی ناقص (با نون ساکن)

در جدول شماره 2 زیر نمونه‌هایی از این فرایند واجی با تنوین را در قرآن کریم می‌بینیم:

¹ - manner of articulation

آوانگاری قبل از همگونی	آوانگاری پس از همگونی	آیه / واژه قرآنی	﴿٣٦﴾
ru:fʕam bilmaʕmatā	ru:fʕan bilmaʕmatā	مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ	1
ʕājātim bajjināt	ʕājātin bajjināt	آيَاتٍ بَيْنَاتٍ	2
samiʕum baʕīr	samiʕun baʕīr	سَمِيعٌ بَصِيرٌ	3
biʔajji ḍambin qutilat	biʔajji ḍanbin qutilat	بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ	4
ḍurijjatim baʕḍuhā	ḍurijjatin baʕḍuhā	ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا	5
baʕīrum bilʕibād	baʕīrun bilʕibād	بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ	6
ṭajram biʕiḍnillāh	ṭajran biʕiḍnillāh	طَيِّرًا بِأَذْنِ اللَّهِ	7
wa bajjinati ʔamadam baʕīdan	wa bajjinati ʔamadan baʕīdan	وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدٌ	8
ʕalimum biḍātiʕsudu:r	ʕalimun biḍātiʕsudu:r	عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ	9
allum bihāḍbalbaladh	allun bihāḍbalbaladh	حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ	10
xajram baʕīran	xajran baʕīran	خَيْرًا بَصِيرًا	11
maʕḍiqam bikalimatin	maʕḍiqan bikalimatin	مَصْدِقًا بِكَلِمَةٍ	12
maʕjāʔim binamim	maʕjāʔin binamim	مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ	13
ʔummatim biʕahid	ʔummatin biʕahid	أَمَةٍ بِشَهِيدٍ	14
iṭum bilkāfirinḥmu	iṭun bilkāfirinḥmu	مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ	15

جدول 2- قلب به میم، اقلاب یا ابدال به عنوان همگونی ناقص (با تنوین)

4-2-2- یرملون (ادغام)

هرگاه تنوین یا نون ساکن در جایگاه پایانی کلمه قرار گیرد و بعد از آنها صداهاى «ی، ر، م، ل، و، ن» بیاید، این صداها مشدد می‌شوند. یرملون همان است که در تجوید از آن در بحث ادغام سخن می‌گویند و انواع ادغام به شرح زیر است.

4-2-1- ادغام با غنه

اگر یکی از چهار صدای «ی، م، ن، و» در ابتدای کلمه بیاید و تنوین یا نون ساکن در پایان کلمه قبلی آمده باشد، «ادغام با غنه» صورت می‌گیرد. در تبیین این قاعده تجویدی باید گفت آنچه در این شرایط اتفاق می‌افتد، فرایند همگونی است. بدین صورت که همخوان خیشومی¹ لثوی /n/ با یکی از چهار واج /w/, m, n, z/ همگون می‌گردد. یعنی پس از فرایند همگونی هر یک از این واج‌ها به صورت مکرر یا مشدد² در می‌آیند. آنچه رایج است این است که کسانی که قرآن می‌آموزند (عمدتاً مسلمانان فارسی

¹ - nasal

² - geminate

laĵ jaqdir	lan jaqdir	لَنْ يَقْدِرَ	6
ʔaj ju ʔminu billāh	ʔan ju ʔminu billāh	ان يَوْمِنَا بِاللّٰهِ	7
miw warāʔihim	min warāʔihim	مِنْ وَّرَائِهِمْ	8
ʔaj jastaqim	ʔan jastaqim	ان يَسْتَقِيمَ	9
maj jaqu :l	man jaqu:l	مَنْ يَقُولُ	10
mĪn niʔmah	min niʔmah	مِنْ نِعْمَةٍ	11
maw wal:	man wali	مَنْ وَلِيٍّ	12
mĪm maladʔaʔ	min maladʔaʔ	مِنْ مَلَأَتْ	13
mĪn naḏir	min naḏir	مِنْ نَذِيرٍ	14
ʔaj ja ʔtihum	ʔan ja ʔtihum	أَنْ يَأْتِيَهُمْ	15

جدول 3- ادغام با غنه به عنوان همگونی ناقص (با نون ساکن)

در جدول شماره 4 زیر نمونه‌هایی از این فرایند واجی با تنوین را در قرآن کریم می‌بینیم:

آوانگاری پس از همگونی	آوانگاری قبل از همگونی	آیه / واژه قرآنی	شماره
wa ʕinabaŵ wa qaḏban	wa ʕinaban wa qaḏban	و عَنبَأُ و قَضَبًا	1
mālaw wa ʕaddadah	mālan wa ʕaddadah	مَالًا و عَدَدَةً	2
liqawmij ja ʕqilu:n	liqawmin ja ʕqilu:n	لِقَوْمٍ يَّعْلَمُونَ	3
lajlaw wa naharan	lajlan wa naharan	لَيْلًا و نَهَارًا	4
Hudaw wa raḥmatan	hudan wa raḥmatan	هُدًى و رَحْمَةً	5
bunjānūm marṣuṣ	bunjānun marṣuṣ	بُنْيَانٍ مَّرصُوصٍ	6
fi lawhĪm maḥfu:ḏ	fi lawhin maḥfu:ḏ	فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ	7
wudʔu:huj jawma ʔiḏin	wudʔu:hun jawmaʔiḏin	وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ	8
ʔadʔalĪm musammā	ʔadʔalin musamman	اجلٍ مَّسْمًى	9
raḥmataŵ wa siʕah	raḥmatan wa siʕah	رَحْمَةً وَّاسِعَةً	10
ʔummataŵ wa ḥidah	ʔummatan wa ḥidah	أُمَّةً وَّاحِدَةً	11
Sihrūm mubin	Sihrun mubin	سِحْرٍ مُّبِينٍ	12
dʔannatĪm min	dʔannatin min	جَنَاتٍ مِّنْ	13
ʕāmilatĪn nāṣibah	ʕāmilatin nāṣibah	عَامِلَةٍ نَّاصِبَةٍ	14
qawlūm maʕru:f	qawlun maʕru:f	قَوْلٍ مَّعْرُوفٍ	15

جدول 4- ادغام با غنه به عنوان همگونی ناقص (با تنوین)

4-2-2-4- ادغام بدون غنه

«هرگاه یکی از دو صدای «ر، ل» در ابتدای کلمه قرار گیرد و تنوین یا نون ساکن در پایان کلمه قبلی آمده باشد، ادغام صورت می‌گیرد و هیچ غنه‌ای دیده نمی‌شود».

در بررسی این جمله باید گفت در چنین محیط آوایی نیز آنچه رخ می‌دهد، همگونی است و همخوان /n/ با دو صدای روان /l, r /¹ دچار همگونی می‌شود. این همگونی، همگونی کامل است و از نوع پسرو محسوب می‌شود. تفاوت این نوع همگونی با مورد قبلی در این است که خیشومی شدگی وجود ندارد و مختصات آوایی /n/ به طور کامل از بین می‌رود. این همگونی در مرز دو واژه اتفاق می‌افتد نه درون واژه و از نظر جهت، پسرو و به لحاظ فاصله، همجوار محسوب می‌شود. مثال زیر نمونه‌ای برای صدای /r/ در کنار تنوین است.

مثال 9:

غفورٌ رحیم

/ʁafu:run raħim/ → [ʁafu:rur raħim]

قاعده کلی این همگونی را این‌گونه می‌توان نشان داد:

$$\left[\begin{array}{l} + \text{ cons.} \\ + \text{ nasal} \\ + \text{ coronal} \\ n \end{array} \right] \rightarrow \left[\alpha \text{ liquid} \right] / \text{ — } \left[\alpha \text{ liquid} \right]$$

در جدول شماره 5 زیر نمونه‌هایی از این فرایند واجی با نون ساکن را در قرآن کریم می‌بینیم:

آوانگاری پس از همگونی	آوانگاری قبل از همگونی	آیه / واژه قرآنی	آیه
hudan mir rabbihim	hudan min rabbihim	هدی من ربهم	1
mir rabikum	min rabikum	من ربکم	2
mir rabikum	min rabikum	من رب العالمین	3
?al lan	?an lan	ان لن	4
mir raħiq	min raħiq	من رَحِیق	5
mir raħmatahu:	min raħmatahu:	من رَحْمَتِه	6
wa lākil lājaʃkuru:n	wa lākin lājaʃkuru:n	ولکین لا یَشکُرُون	7
mir rabbihi	min rabbihi	من رَبِه	8

¹ - liquid

mir rasu:l	min rasu:l	مِنْ رَسُولٍ	9
mir rabbika	min rabbika	مِنْ رَبِّكَ	10
mir rabbihim	min rabbihim	مِنْ رَبِّهِمْ	11
mal lam jastaṭiṣ	man lam jastaṭiṣ	مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ	12
mir ribāṭ	min ribāṭ	مِنْ رِبَاطٍ	13
mir rajb	min rajb	مِنْ رَجَبٍ	14
mil ladunhu:	min ladunhu:	مِنْ لَدُنْهُ	15

جدول 5- ادغام بدون غنه به عنوان همگونی کامل (با نون ساکن)

در جدول شماره 6 زیر نمونه‌هایی از این فرایند واجی با تنوین را در قرآن کریم می‌بینیم:

آوانگاری پس از همگونی	آوانگاری قبل از همگونی	آیه / واژه قرآنی	ج.
ʁafu:rur raḥim	ʁafu:run raḥim	غَفُورٌ رَحِيمٌ	1
?abadar raḍijjallāh	?abadan raḍijjallāh	أَبْدَأُ رَضِيَ اللَّهُ	2
xajrul lakum	xajrun lakum	خَيْرٌ لَكُمْ	3
kaffāratul lahu:	kaffāratun lahu:	كَفَّارَةٌ لَهُ	4
hudal lilmutaqin	hudan lilmutaqin	هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ	5
fawajlul lilmuttaqin	fawajlun lilmuttaqin	فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ	6
maḥfiratil linnās	maḥfiratin linnās	مَغْفِرَةٌ لِّلنَّاسِ	7
ḥabbal lillāh	ḥabban lillāh	حَبَابٌ لِلَّهِ	8
muhammadur rasu:lullāh	muhammadun rasu:lullāh	مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ	9
ḥamaratir rizqā	ḥamaratin rizqā	ثَمَرَةٌ رِزْقًا	10
wajlol likuli	wajlon likuli	وَيْلٌ لِّكُلِّ	11
humazatil lumazzah	humazatin lumazzah	هَمْزَةٌ لِّمِزَّةٍ	12
mālal lubadā	mālan lubadā	مَالًا لِّبَدَا	13
ra?u:fur raḥim	ra?u:fun raḥim	رَوَّوفٌ رَحِيمٌ	14
ʕiʕatir raḍijjah	ʕiʕatin raḍijjah	عِيشَةٌ رَاضِيَةٌ	15

جدول 6- ادغام بدون غنه به عنوان همگونی کامل (با تنوین)

4-2-3- ادغام دو حرف که مثل هم نیستند

ادغام دو حرف یعنی از این دو حرف، حرف ساکن در حرف بعدی که مثل خودش نیست، ادغام می‌شود.

مثال 9:

«ت» در «د» ← اثقت دَعَوَالله ← ائقلدَدَعَوَالله

«د» در «ت» ← قَدْتَبِين ← قَتَبِين

«ث» در «ذ» ← یلهٔ ذلک ← یلهٔ ذلک

اگر در این حروف دقت کنیم متوجه می‌شویم که به لحاظ جایگاه و شیوه تولید یکی هستند و تنها تفاوت آنها در مقوله واک¹ است. مختصه واک انتقال یافته و واج‌ها همگون شده‌اند. بنابراین آنچه در اینجا نیز اتفاق افتاده فرایند همگونی است. در این فرایند دو واج مورد نظر یکی شده‌اند و همگونی کامل رخ داده است. دو همخوان /t/ و /d/ انسدادی‌اند.² در مورد اول /t/ با /d/ همگون شده و در مورد دوم /d/ با /t/ همگون شده است. در نمونه سوم دو همخوان سایشی³ θ و ð همگون شده‌اند. چرا که /θ/ که بی واک است، به /ð/ که واکدار است، تبدیل شده است. در زبان‌شناسی همگونی /t/ به /d/ و /θ/ به /ð/ را همگونی واکسازی⁴ می‌گویند و بر عکس همگونی /d/ به /t/ را همگونی واکبری⁵ می‌نامند. این همگونی‌ها را می‌توان به صورت قواعد واجی زیر نشان داد. همگونی واکسازی:

t → d / ___ d

θ → ð / ___ ð

voiceless → voiced / ___ voiced

d → t / ___ t

voiced → voiceless / ___ voiceless

هر سه فرایند همگونی فوق از نوع پسرو هستند. زیرا واج بعدی بر واج قبلی تأثیر گذاشته است و از نظر فاصله، همجوار محسوب می‌شوند.

3-4- حروف شمس‌ی (و قمری)

حروف شمس‌ی 14 حرفی است که «الف» و «لام (ال)» بر سر آنها نوشته می‌شود. اما خوانده نمی‌شود. به عبارت دیگر هرگاه این حروف بعد از «الف» و «لام» قرار گیرند، مشدد می‌شوند. این حروف عبارتند از «ت، ث، د، ذ، ر، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ل، ن». حروف قمری 14 حرفی است که «الف» و «لام (ال)» بر سر آنها نوشته می‌شود و «لام» خوانده می‌شود. یعنی نیمی از حروف 28 گانه عربی که همان حروف تهجی است را شمس‌ی و نصف دیگر را قمری گویند که تمام حروف قمری در این جمله جمع شده است (حقاً که غم خوف عجیب) و این حروف عبارتند از «ء، ب، ج، ح، خ، ع، غ، ف، ق، ک، م، و، ه، ی».

1- voice

2- stop

3- fricative

4- voicing assimilation

5- devoicing assimilation

در توضیح این قاعده تجویدی از دیدگاه زبان‌شناسی می‌توان گفت ریشه‌هایی که با همخوان‌های تیغه‌ای¹ شروع می‌شوند، زمانی که «ال» معرفه² اضافه می‌شود، «l» با آن همخوان آغازین همگون می‌شود و همگونی کامل اتفاق می‌افتد به گونه‌ای که تکرار می‌شود و در قرآن آن را به صورت مشدد می‌خوانند. این همگونی نیز از نوع پسرو و همجوار است و در درون واژه رخ می‌دهد. این فرایند در مورد همخوان‌های غیرتیغه‌ای³ (- coronal) اتفاق نمی‌افتد. بنابر این همخوان «l» همگون نمی‌گردد و در تجوید این دسته را «حروف قمری» می‌خوانند.

قاعده کلی را چنین می‌توان نمایش داد:

$$\left[\begin{array}{l} + \text{ cons.} \\ + \text{ lateral} \\ 1 \text{ [def.]} \end{array} \right] \rightarrow \left[\begin{array}{l} + \text{ cons.} \\ \alpha \text{ coronal} \end{array} \right] / \text{ — } \left[\begin{array}{l} + \text{ cons.} \\ \alpha \text{ coronal} \end{array} \right]$$

در جدول شماره 7 ذیل نمونه‌هایی از همگونی کامل با «ال» معرفه در قرآن دیده می‌شود.

آیه / واژه قرآنی	آوانگاری قبل از همگونی	آوانگاری پس از همگونی	آیه / واژه قرآنی
التِّينِ	?al- tin	?attin	1
الْقَالَ	?al- θiqāl	?aθθiqāl	2
الدَّارِ	?al- dār	?addār	3
الذَّهَبِ	?al- ḏahab	?aḏḏahab	4
الرَّجْسِ	?al- ridʒs	?arridʒs	5
الزَّيْتُونِ	?al- zajtu:n	?azzajtu:n	6
السَّيَّارَةِ	?al- sajjārah	?assaJJārah	7
الشَّمْسِ	?al- šams	?aššams	8
الصُّبْحِ	?al- šubh	?aššubh	9
الضُّرِّ	?al- ḏur	?aḏḏur	10
الطَّيْرِ	?al- ṭajr	?aṭṭajr	11
الطَّالِمِينَ	?al- ṭālimin	?aṭṭālimin	12
اللُّغَةِ	?al- luḡah	?alluḡah	13
النَّخِيلِ	?al- naxil	?annaxil	14
النَّارِ	?al- nār	?annār	15

جدول 7- حروف شمسی به عنوان همگونی کامل (با الف و لام معرفه)

¹ - +coronal

² - definite

³ - -coronal

در جدول شماره 8 ذیل نمونه‌هایی از نبود همگونی با «ال» معرفی در قرآن دیده می‌شود.

آوانگاری (بدون همگونی)	آیه / واژه قرآنی	ق.ج.
?al?āxirah → ?al?āxirah	الآخره	1
?albāṭil → ?albāṭil	الباطل	2
?aldʒamil → ?aldʒamil	الجميل	3
?alhajāt → ?alhajāt	الحیوه	4
?alxabir → ?alxabir	الخبير	5
?alʕaḏāb → ?alʕaḏāb	العذاب	6
?alʕafu:r → ?alʕafu:r	العفور	7
?alfāʔizu:n → ?alfāʔizu:n	الفائزون	8
?alqawl → ?alqawl	القول	9
?alkitāb → ?alkitāb	الکتاب	10
?almuhsinin → ?almuhsinin	المُحْسِنِينَ	11
?alwālid → ?alwālid	الوالد	12
?alhudā → ?alhudā	الهدى	13
?aljawm → ?aljawm	اليوم	14
?alʔabnāʔ → ?alʔabnāʔ	الأبناء	15

جدول 8- حروف قمری به عنوان نبود همگونی (با الف و لام معرفی)

4-4- اظهار

اگر تنوین و نون ساکن به حروف حلقی «ء، ه، ح، خ، ع، غ» برسد، نون تنوینی یا نون ساکن کاملاً تلفظ می‌شوند یا به اصطلاح «اظهار» صورت می‌گیرد. مانند حکیمٌ عَلیم، عَذَابٌ أَلیمًا¹.

در تبیین این جمله تجویدی باید گفت صدای /n/ با صداهای بعد از خود همگونی پیدا نمی‌کند. بعد از 6 صدای حلقی¹ صدای /n/ به صورت کاملاً صریح تلفظ می‌شود. این شش واج عربی عبارتند از: ʔ ، h ، ħ ، xʕ ، ʕ ،

اظهار هم در واژه و هم بین واژه اتفاق می‌افتد. اما در آن فرایند همگونی رخ نمی‌دهد. چه نون ساکن و چه تنوین پس از صداهای حلقی شرایط ایجاد همگونی را به وجود نمی‌آورد. در زیر نمونه‌هایی از اظهار و نبود همگونی در قرآن دیده می‌شود. جدول شماره 9 ذیل نبود همگونی با نون ساکن را نشان می‌دهد.

¹ - guttural

آوانگاری (بدون همگونی)	آیه/واژه قرآنی	آیه/واژه
minhum→minhum	منهّم	1
amtaʔanʔ →amtaʔanʔ	أنعمت	2
adhaʔ man →adhaʔman	من أحد	3
in hāḏāʔ →in hāḏāʔ	إن هذا	4
asanahh man →asanahhman	مَن حسنه	5
ajrʁ min →ajr ʁmin	مِن غَیر	6
anhārʔ alʔ→anhārʔalʔ	الأنهار	7
min xawf→min xawf	مِن خَوْف	8
man hādʒar→man hādʒar	مَن هاجر	9
atu:nh jan→atu:nhjan	يَنحَتون	10
janhawna→janhawna	يَنهَوون	11
ādallāhh man →ādallāhhman	مَن حاد الله	12
min xajr→min xajr	مِن خَير	13
indʕ min →ind ʕmin	مِن عِند	14
akimh min →akim hmin	مِن حَكِيم	15

جدول 9- اظهار به عنوان نبود همگونی (با نون ساکن)

جدول شماره 10 ذیل، اظهار و نبود همگونی با تنوین را در قرآن نشان می‌دهد.

آوانگاری (بدون همگونی)	آیه/واژه قرآنی	آیه/واژه
laṭifun xabir → laṭifun xabir	لطيفٌ خبير	1
alimʕun ʕalim → samiʕun ʕsami	سمیعٌ علیم	2
arabijjanʕānan ʔarabijjan → qurʕānan ʔqur	قرآناً عربياً	3
afu:ʁazizun ʕafu:r → ʁazizun ʕ	عزیزٌ غفور	4
aḏimʕadʒrun ʔaḏim → ʕadʒrun ʔ	اجرٌ عظیم	5
akimhazizun ʕakim → hazizun ʕ	عزیزٌ حکیم	6
aminʔamin → rasu:lan ʔrasu:lan	رسولٌ امین	7
āminʔāmin → kullun ʔkullun	کلٌ آمن	8
aʕiḏin xāʕiʔa → jawmaʕiḏin xāʕiʔjawma	یومئذٍ خاشعہ	9
qawmin hād→ qawmin hād	قومٌ هاد	10

alimun xabir	عالیمِ خیبر	11
alimɯn ʕalim → wāsiuɯn ʕwāsiu	واسعِ علیم	12
alimɯin ʔalim → ʕajɯin ʔʕaj	شیءِ علیم	13
adħaʔad → kufuwān ħaʔkufuwān	کفوفاً أخذ	14
afu:rɤafwān ʕafu:r → ɤafwān ʕ	عفوفاً عفور	15

جدول 10- اظهار به عنوان نبود همگونی (با تنوین)

4-5- اخفاء

«اخفاء» در لغت به معنی مخفی کردن و در تجوید پنهان کردن حرف هنگام تلفظ و همراه با غنه است. هرگاه تنوین و نون ساکن به 15 حرف مابقی (غیر از حرف «ب» و حروف «حلقی» و «یرملون») برسد اخفاء می‌شود. مانند «آن کان»، «فتح قریب» این حروف عبارتند از «ت، ث، ج، د، ذ، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ف، ق، ک».

در بررسی این قاعده تجویدی باید گفت که وقتی همخوان خیشومی لثوی /n/ (نون ساکن یا تنوین) قبل از واج‌های «t, θ, dʒ, d, ð, z, s, ʃ, ʂ, ɖ, t̪, ʈ, f, q, k» قرار گیرد، جایگاه تولیدش تغییر می‌کند و متمایل به جایگاه تولید صدای بعدی می‌شود. اما خیشومی شدگی خود را حفظ می‌کند. به عبارت دیگر زبان کاملاً با نوک لثه¹ برخورد نمی‌کند و حفره دهانی شکل واکه قبلی را نگه می‌دارد و کل صدا از طریق حفره بینی² تولید می‌شود. در این بافت آوایی /n/ حذف نمی‌شود ولی تولیدش کاملاً صریح نیست. بنابر این، در این شرایط نیز همگونی ناقص اتفاق می‌افتد. این نوع همگونی از نظر فاصله، همجوار است. مثال بالا (آن کان) را چنین می‌توان نشان داد:

مثال 10:

/ʔan kāna / → [ʔaŋ kāna]

و قاعده آن را می‌توان این‌گونه نوشت:

n → ŋ / ____ k

در این همگونی صدای n قبل از صدای نرم‌کامی k نرم‌کامی شده است.

در مورد 15 صدای اخفاء می‌توان گفت که همه آنها به جز همخوان /b/ جزو صداهای گرفته‌اند. از بین این صداها وقتی /n/ کنار صدای پیشین³ باشد، به جایگاه جلو یعنی پیشین متمایل می‌شود و برعکس اگر کنار صدای پسین⁴ قرار بگیرد، به جایگاه پسین متمایل می‌شود. مثلاً /n/ وقتی قبل از صداهای دندانی⁵ (مانند θ و ð) قرار می‌گیرد، دندانی می‌شود (به صورت ɲ)، وقتی کنار صداهای دندانی -

¹ - alveolar ridge

² - nasal cavity

³ - front

⁴ - back

⁵ dental

لثوی¹ و لثوی (مانند z, d, d, t, t, s, s است، لثوی می ماند (به صورت n) وقتی قبل از صداهای پس لثوی² (مانند dʒ) قرار می گیرد، پس لثوی می شود (به صورت n) و وقتی قبل از صدای ملازی³ (مانند q) واقع می شود، تبدیل به ملازی می شود (به صورت N).

اخفاء هم درون واژه و هم برون واژه روی می دهد. یعنی هم در واژه و هم در مرز بین واژه اتفاق می افتد. در جدول شماره 11 نمونه های اخفاء با نون ساکن را در سوره های قرآن می بینیم.

آیه / واژه قرآنی	آوانگاری قبل از همگونی	آوانگاری پس از همگونی	آیه / واژه قرآنی
فَأَنْزَلْنَا	anzalnāʔfa	ānzalnāʔfa	1
مَنْشُورًا	manʃu:rā	mānʃu:rā	2
كُنْتُمْ	kuntum	kūntum	3
أَنْفُسِكُمْ	anfusakumʔ	ānfusakumʔ	4
إِنْ شَاءَ اللَّهُ	allāh ʔin ʃāʔ	āllāh ʔin ʃāʔ	5
وَإِنْ تَبْصِرُوا	in tabʃiruʔwa	īn tabʃiruʔwa	6
وَمَنْ دَخَلَهُ	wa man daxalah	wa mān daxalah	7
مَنْ ثَقُلَتْ	aqulatθman	aqulatθmān	8
مُنْتَهُونَ	muntahun	mūntahun	9
يَنْطِقُونَ	janʔiqu:n	jānʔiqu:n	10
مُنذِرٍ	munḏir	mūnḏir	11
مَنْصُورًا	manʃu:rā	mānʃu:rā	12
مِنْ جَاءَ	aʔman dʒā	aʔmān dʒā	13
أَنْظُرُوا	unḏuru:ʔ	ūnḏuru:ʔ	14
وَإِنْ فَاتَكُمْ	in fatakumʔwa	īn fatakumʔwa	15

جدول 11- اخفاء به عنوان همگونی ناقص (با نون ساکن)

در جدول شماره 12 ذیل، نمونه های اخفاء با تنوین را در قرآن می بینیم.

آیه / واژه قرآنی	آوانگاری قبل از همگونی	آوانگاری پس از همگونی	آیه / واژه قرآنی
رَسُولًا شَاهِدًا	rasu:lan ʃāhidā	rasu:lān ʃāhidā	1
جَنَّاتٍ تَجْرِي	dʒannatin tadʒri	dʒannatīn tadʒri	2

¹ alveodental

² post alveolar

³ uvular

āḡ ḡālikaʕsira	an ḡālikaʕsira	سیراً ذک	3
ūN qaribʕsami	un qaribʕsami	سمیعُ قریب	4
xalidān fihā	xalidan fihā	خالداً فیها	5
iḡl̥ zurqāʔjawma	iḡin zurqāʔjawma	یومئذُ زرقا	6
idān ʔajjibāʕʕa	idan ʔajjibāʕʕa	صعیداً طیباً	7
dʕabbārān faqijjā	dʕabbāran faqijjā	جباراً شقیاً	8
nafsāḡ ḡakijjah	nafsan ḡakijjah	نفساً ذکیه	9
xalqaān dʕadidā	xalqan dʕadidā	خلقاً جدیداً	10
aqilāθqawmāḡ	aqilāθqawman	قولاً ثقیلاً	11
adʕrūḡ karimʔ	adʕrun karimʔ	اجر کریم	12
KutubūN qajjimāh	Kutubun qajjimāh	کتبُ قیمه	13
afwāN qadirāʕ	afwan qadirāʕ	عفواً قدیراً	14
baʕʕarān sawijjā	baʕʕaran sawijjā	بشراً سوياً	15

جدول 12- اخفاء به عنوان همگونی ناقص (با تنوین)

5- نتیجه گیری

در پژوهش حاضر برخی از قواعد تجویدی که در تلاوت و قرائت قرآن به کار می‌روند بررسی شد. برای این منظور، سوره‌های متعددی از قرآن کریم مد نظر قرار گرفت و قواعد تجویدی از دیدگاه زبان‌شناسی بررسی گردید. نتایج پژوهش موید این واقعیت است که بیشتر قواعد تجویدی از قبیل «قلب به میم» (اقلاب)، «یرملون» شامل انواع «ادغام»، «حروف شمس» و «اخفاء» همه در قالب یک فرایند که در زبان‌شناسی «همگونی» نامیده می‌شود، قابل تبیین‌اند. این شش قاعده تجویدی را می‌توان فقط با یک قاعده زبان‌شناختی فرا گرفت. از این طریق دیگر نیازی به حفظ کردن قواعد تجویدی نیست. چرا که حتی عرب‌زبانان هم حروفی چون یرملون و اخفاء و غیره را (با چسباندن حروف به یکدیگر و ساخت واژه‌های بی‌معنا) حفظ می‌کنند. در حالی که اگر اندکی در ساختار واج‌های زبان عربی تأمل کنیم، می‌توانیم قواعد تجویدی را به شکلی بهتر یاد بگیریم. مثلاً در مورد حروف شمس کافیست بدانیم که این حروف را به دو طبقه تیغه‌ای و غیرتیغه‌ای تقسیم کنیم. اگر تیغه زبان صدا را تولید کرد، شمس و اگر جایگاه تولید، تیغه زبان نبود قمری است. قواعد تجویدی بررسی شده همه در خصوص احکام تنوین و نون ساکن مطرح‌اند. آنچه روشن است، این است که همخوان خیشومی لثوی /n/ در این قواعد تجویدی نقش به‌سزایی دارد. این واج چه به صورت نون ساکن و چه به صورت تنوین هرجا حضور داشته باشد، عمدتاً شرایط مساعد برای انجام فرایند همگونی را به وجود می‌آورد. این همخوان همواره دچار تغییرات واجی خاصی است و تغییرات به هر شکلی که باشد، وجود یا نبود یک فرایند یعنی همگونی را نشان می‌دهد. از میان موارد بررسی شده شش قاعده (شامل اقلاب، انواع ادغام، اخفاء و حروف

شمسی) وجود همگونی و دو قاعده (شامل اظهار و حروف قمری) نبود همگونی را نشان می‌دهد. نتایج این پژوهش همچنین مشخص کرده است که انواع همگونی از نظر شدت (کامل و ناقص) در قرآن کریم دیده می‌شود. در این میان «اقلاب»، «ادغام با غنه» و «اخفاء» دارای همگونی ناقص‌اند و «ادغام بی‌غنه»، «ادغام حروف غیر مشابه» و «حروف شمسی» دارای همگونی کامل‌اند. این همگونی‌ها غالباً همخوانی و از نظر جهت، بیشتر پسرو هستند. علت بیشتر بودن همگونی پسرو نسبت به پیشرو به ساختار هجایی زبان عربی بر می‌گردد. این ساختار هجایی دارای ویژگی‌های خاصی است. از جمله این که هجا همیشه با همخوان شروع می‌شود و آغاز هجا قوی‌تر از هسته و دامنه آن است. از طرفی همگونی‌ها عمدتاً در دامنه هجا که ضعیف‌تر است اتفاق می‌افتد. به همین سبب، همگونی پسرو بیشتر رخ می‌دهد. این پژوهش همچنین مبین این نکته است که به لحاظ فاصله، عمده همگونی‌ها از نوع همجوار رخ داده است. گفتمنی است از قواعد تجویدی یادشده بجز ادغام بقیه موارد هم در درون واژه و هم در مرز بین واژه اتفاق می‌افتد. سخن پایانی این است که از رهاورد این تحقیق می‌توان دریافت که همگونی فرایندی بسیار مهم در تلاوت قرآن است و یادگیری آن در کمک به قرائت بهتر (در ترتیل، صوت و تحقیق) موثر است. شایان توجه است که بهره‌گیری از نمونه‌های قرآنی به عنوان کلام آسمانی به هنگام تدریس به دانشجویان در کنار نمونه‌های زبان فارسی، انگلیسی، فرانسه و غیره می‌تواند به آموزش بهتر قرآن کریم بیانجامد.

منابع

قرآن کریم

- باقری، مهری (1380). *مقدمات زبان‌شناسی*، چاپ چهارم، تهران: نشر قطره.
- حق شناس، علی محمد (1380). *آواشناسی*، چاپ هفتم، تهران: انتشارات آگاه.
- ربانی، محمدحسین (1379) «ترادف در واژه‌های قرآن»، مجموعه قرآن و حدیث، پژوهش‌های قرآنی، شماره بیست و سوم و بیست و چهارم، صص 254-269.
- سعیدی، علامعباس (1391). «بررسی زبان‌شناختی تناسب آیات بر پایه اصل همکاری گرایس»، فصلنامه *آموزه‌های قرآنی*، شماره چهل و یکم، ص 173.
- سلیمانی، زهرا و ممتحن، مهدی (1391). «قرآن، رخ‌نمایی و بالندگی علوم بلاغی»، فصلنامه *مطالعات قرآنی*، سال دوم، شماره 8، صص 91-108.
- شمس‌آبادی، حسین و ممتحن، مهدی (1391). «اعجاز توانش زبانی و کاربرد واژگانی قرآن»، فصلنامه *مطالعات قرآنی*، دوره سوم، شماره 11، صص 63-58.
- عباس‌زاده، حمید (1390). «کارکردهای زیبایی‌شناختی حذف حروف جاره در قرآن کریم»، فصلنامه *آموزه‌های قرآنی*، شماره سی و هفتم، ص 89.

- فهیمی تبار، حمیدرضا (1384). «نقد واژگانی ترجمه قرآن به زبان فارسی»، مجموعه قرآن و حدیث، پژوهش‌های قرآنی، سال یازدهم، شماره چهل و دوم و چهل و سوم، صص 160-181.
- مرآت، مرجان (1390). «انسجام واژگانی در قرآن»، مجله پژوهش‌های قرآنی، نشریه قرآن و حدیث، سال هفدهم، شماره 65 و 66، صص 296-333.
- محمد العوی، سلوی (1389). «مطالعه زبان‌شناختی روابط متنی در قرآن»، نشریه قرآن و حدیث، پژوهش‌های قرآنی، سال شانزدهم، شماره 64، صص 220-242.
- مروتی، سهراب و ساکی، سارا (1390). «معناشناسی واژه اخلاق در قرآن کریم»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره هشتم، صص 27-59.
- ممتحن، مهدی و حاجی زاده، مهین (1389). «موسیقی و نظم آوایی قرآن کریم»، فصلنامه دین پژوهی و کتاب‌شناسی قرآنی فدک، سال اول، شماره 4، صص 173-190.
- Falk, S. J. (1978). *Linguistics And Language*, second edition, John Wiley and Sons, Inc.
- Fromkin, V. and Rodman, R. (1988). *An Introduction to Language*, fourth edition, The Dryden Press.
- Odden, D. (2005). *Introducing phonology*, Cambridge: Cambridge University Press.

و س د ا ل
